غازی نصر الاسلام شاعر شوریده بنگال

آبادانی

در جهان ادبی بنگال از اخلاف را بیندرانات تا گور،هیچکس بیشتر از غازی نصر الاسلام باوج شهرت نرسیده است.

اگر تا گور شاعر نهضت اسوادشی بود که شعله فروزانش در دهه اول‏ این قرن نه تنها بنگال بلکه سر تا سر هندوستان را فرا گرفت.غازی نصر الاسلام‏ شاعر نهضت عدم همکاری و نهضت عمومی و عدم اطاعت بود که در سالهای 20 و 30 این قرن در بیداری وجدانها نقش مؤثر داشت.

شعری را که او تحت عنوان طغیان سرود بمعنی حقیقی کلمه طوفانی در بنگال بپا ساخت.درباره لرد بایرون شاعر انقلابی و آزادیخواه انگلیسی، گفته شده است که روزی سر از خواب برداشت و مشاهده کرد شهرتش چون آفتاب‏ عالمگیر شده است.درباره غازی نیز عینا این مطلب صادق است.او در سن‏ دهسالگی بعنوان دواطلب وارد ارتش هند گردید،و برای انجام خدمت به‏ بین النهرین اعزام شد.

وقتی از مأموریت خود به بنگال مراجعت کرد،با اشعار زیبائی به هدیه‏ آورد و سرشار از روح و طنپرستی،همدردی عمیق بشری و فن شاعرانه بود،در میان شعرای جوان دیار انگشت نما شد.

نصر الاسلام که عمیقا تحت تأثیر مکتب تا گور بود،در عین حال خصوصیات‏ مخصوص بخود را داشت که از دو لحاظ قابل اهمیت بود.در اشعار خویش همیشه‏ بتجربه و مشاهده استناد میکرد که در شعر بنگال تا آن زمان بی‏سابقه بود.اشعار رزمی و سرودهائیکه علیه ستم و تجاوز بود با چنان فیضان سیراب‏کننده‏ای از نوک‏ قلمش میریخت که نسل جوان بنگال را افسوس میکرد.با نهضت عدم همکاری‏ خیلی زود آشنائی پیدا کرد و بجائی رسید که در زمینهء ادبیات سخنگوی نهضت‏ شناخته شد.با نظرات و عقاید سیاسی و اجتماعی که او داشت بزندان افتادنش‏ حتمی بود.آیا زندان قادر است روخبهای سرکش و شکست‏ناپذیر را بتسلیم یا ترک‏ مبارزه وادار کند؟خجلت بی‏پروائی و طغیان علیه کلیه موانع و عدم تسلیم به ظلم‏ و فشار از همان آغاز علامت مشخصه او بود.

نصر الدین خیلی زود بعنوان کسی که در شعر و ادب بنگال چیز تازه‏ای‏ آورده است شناخته شد.بعضی ابیات اولین شعرش که بنام طغیان سرود و حقیقتا طغیان بپا کرده است چنین است:

تو ای قهرمان دلیر سر بر فراز و در پیش جهانیان سر فراز بایست، وقتی تو سر برمیداری حتی قلل رفیع هیمالیا در پیشگاهت سر تکریم فرود میآورند سر بر فراز آنچنانکه در همه جهان اعجوبه به دهر و افتخار عالم خلقت‏ شناخته شوی،

سر بر فراز آنچنانکه برتر از عالم و آدم برتر از بهشت و آسمان قرار گیری.

اعتماد نصر الاسلام به نیروهای انسانی که در آن همه بیعدالتیها بالاخره‏ منکوب حق و راستی خواهد شد لایزال بود.

او عقیده داشت که ظلم و بی‏انصافی که از ابتدای زمان علامت مشخصه جامعه‏های‏ انسانی بوده است باید برای همیشه از میان برود و با در نظر گرفتن آن عقیده‏ که خصلت و الهام همیشگی شاعر از اوان جوانی و آغاز کرد بود بخوبی میتوان‏ درک کرد که چرا زندگی و شعر خود را با نهضت‏های سیاسی در آمیخت.

تا گور شاعر بزرگوار هند در چند سطری که درباره‏اش می‏نویسد او را ستاره دنباله‏داری توصیف میکند که پس از قونی در آسمان ادب بنگال ظاهر شد است.از اینکه بخاطر نجات ملی و برقراری عدالت اجتماعی مشعل فروزانی‏ را برافراشت و خروش مبارزه را سر داد،او را تهنیت میگوید.طبیعی بود که‏ غازی میباید تحت تأثیر نهضت بمراتب وسیع‏تری که در آن روزگار در تمام آسیا جریان داشت قرار گیرد.

بعضی از اشعارش بیادزاقلول پاشا و نهضت ملی مصر است.همچنین او نهضت استقلال طلبانه علت ترک را تحت رهبری کمال آتاتورک که بالاخره توانست‏ یوغ اسارت و حاکمیت خارجی را بدور بیفکند،ستود.این اشعار حتی امروز یکی از بهترین نمونه شعر وطن پرستانه و میهنی است که در ادبیات بنگالی‏ وجود دارد.خصوصیتی که در شعر غازی نصر الاسلام بچشم میخورد اینست که او لغات‏ عربی و فارسی را باسانسکریت آمیخته کرده است بطرزی که نه تنها در بنگال‏ بلکه در هیچ نقطه دیگر نظیری بر آن نمی‏توان یافت.

درباره محتوی زبان که آیا باید از لغات خارجی عاریت گرفت و یا نه‏ بحث‏های فراوان و بیهوده‏ای شده است.

نصر الاسلام بایصیرت یک نابغه وقوف داشت که زبان با بهره گرفتن آزاد از تمام منابع موجود در اختیار خود دائما رشد میکند و پیش میرود.در استعمال‏ لغات سانسکریت و عربی برای تشکیل لغات مشترک او هرگز تردید نکرد. هنگام سرودن شعر اگر کلمه‏ای انگلیسی بر بانش می‏آمد از گفتن باز نمیایستاد و بنابراین سیره که برای او اصل و قاعده بود در شعرهایش،نه تنها از کلاسیک- های فارسی و عربی و سانسکریت بلکه همچنین از کلمات ترکی-انگلیسی و سایر زبانهای زنده دنیا می‏بینیم.

شعر معروفی از او هست که در آن ماه محرم را تجلیل کرده است.با قدرت و مهارت خاصی سانسکریت را با لغات عربی درآمیخته است و از صداها برای القاء بعضی حالات استفاده نموده است.

آنگاه او از صحرای کربلا گریز را بکشور خود زده است و به ابیات سوزانی‏ پرداخته است که جوانان هندرا بمقابله با ظلم و فدا کردن جان برمی‏انگیزد. ترجمه این ابیات چنین است:

دختران ما شهید راه عدالت خواهند شد.اما هنگامیکه شهادت آنها پیروزی‏ کار ملت است چرا باید افسوس خورد.جوانان ما مبارزه را دنبال خواهند کرد جانهای خود را فدا خواهند ساخت،تا آنجا که حق و عدالت پیروز گردد.عشق‏ به عدالت بنحو بارزی در تمام اشعار و نوشته‏های غازی بچشم میخورد.

(زیرا او نه تنها شاعر بلکه داستان‏نویس هم بود)در تمام طول عمرش‏ در این آتش میسوخت که جهان هرگز نمیتواند جای زیستن شرافتمندانه برای‏ انسانها باشد،مگر آنکه بیعدالتیها از هر قبیل و بهر اسم که باشد از میان برود همدردی او نسبت به تیره روزان و بینوایان اجتماع باین ترتیب که می‏بینیم امری‏ مسلم و اجتناب‏ناپذیر بود.درباره تاج محل او مینویسد:

کسانی که بنظاره تاج محل میایند:تنها مرمر کاری‏های زیبا و دل‏انگیز آن را بچشم می‏بینند تنها شکوه و جلالی را که امپراطوری مجسم کرده است می‏بینند اما اغلب فراموش میکنند که در اینجا قلب سوخته زنی مدفون است که با رنجهای‏ مقدس و غمگساریهای خود؛آن را یادگاری از عشق کرد و جاویدانش ساخت. غازی نصر الاسلام دوستدار بشریت است صرف نظر از تاریخ صرف نظر از نژاد و مذهب یا فرقه و ملیت آنها در شعرا و علاوه بر شور انقلابی و وطنپرستانه همچنین‏ بتغزلات عاشقانه و بزمی برمیخوریم که نشانه یک روح حساس و لطیف است.زبان‏ بنگالی اصولا به اشعار غنائی و غزل معروف است تا گور و ویشناوا در بعضی از غزلهای زیبای خود حقیقتا مانند حافظ و سعدی از قله اشعار عشقی گذاشته‏اند. اشعار و تغزلات غازی نصر الاسلام را نه تنها روشنفکران و گروه فضلا بلکه مردم‏ معمولی کوچه و خیابان،کارگران بنادر و اسکله‏ها هم از بر میدانند.زیرا این‏ اشعار پاسخ روشنی است به احساسات عمیق قلب آنها.مقاله کوتاه خود را خلاصه‏ کنیم.غازی نصر الاسلام در ادبیات بنگالی نه تنها نمودار طغیان‏ و قهرمان ملت مبارز هند؛نه تنها عاشق بشریت در تمام مظاهر زندگی خود بود؛بلکه همدردیهایش هر جا ه رنج و نگرانی انسانی مطرح میشد پیش میرفت‏ او دوستدار همه زبانها بود و در شعر خود از هیچ کوششی برای غنی کردن زبان‏ بنگالی فروگذار نمیکرد.